

نام یگانه و تاریخی خلیج فارس^۱

مقدمه

نام های جغرافیایی بخشی از تاریخ، جغرافیا، اساطیر، فرهنگ و آداب و رسوم یک ملت و به عبارت دیگر شناسنامه کشورها و ملتها هستند و حراست از آنها همچون نگهداری از اشیاء باستانی بعنوان ذخایر و میراث غیر ملموس^۱ بشری ضروری است. نام خلیج فارس از جمله نام هایی است که از روزگاران کهن تا امروز در تمام آثار و کتب تاریخی، جغرافیایی و دائرة المعارف های بزرگ و اطلس های معتبر جهان بر پهنه آبی واقع در جنوب ایران از دهانه اروندرود تا تنگه هرمز نهاده شده است. مقاله حاضر بر آن است تا ضمن مروری اجمالی بر نام خلیج فارس در درازای تاریخ به بررسی نام خلیج فارس در اسناد حقوقی دو یا چند جانبه و نقشه های تاریخی و همچنین رویه سازمان ملل در خصوص بکارگیری نام خلیج فارس بپردازد.

نام خلیج فارس در درازای تاریخ

آثار باستانی بر جای مانده از شهرهای ساحلی خلیج فارس حکایت از وجود یک تمدن ۶۰۰۰ ساله در سواحل خلیج فارس دارد. اما آثار مکتوب باقی مانده حدود ۳۰۰۰ سال قدمت دارند و از دوره تمدن ایلامی ها، مادها، آشوری ها، درویدی ها و پیشدادیان تا قبل از حکومت پارس ها تاریخ دقیقا روشنی از تمدن در سواحل این خلیج وجود ندارد. تنها در دوره امپراتوری قدرتمند و پهناور پارس است که خلیج فارس شهرت بین المللی می یابد.

• دکتر علیرضا جهانگیری – عضو هیات علمی دانشگاه آزاد دامغان.

^۱ Intangible heritage.

پژوهشگرانی که در خصوص نام خلیج فارس تحقیق نموده اند متفق القول هستند که نام خلیج فارس در تمام قرون نامی یگانه، جهانی و بدون معارض بوده است و در خاورمیانه بر روی کمتر نامی در ادوار مختلف تاریخی چنین اتفاق و یگانگی در میان همه نویسندگان و مورخان وجود داشته است. سرآرنولد ویلسون^۲ در مورد پیشینه تاریخی خلیج فارس نوشته است:

"هیچ آبراهی چه در گذشته و در چه حال حاضر برای زمین شناسان، باستان شناسان، تاریخ دانان، جغرافی دانان، بازرگانان، سیاستمداران، سیاحان و دانش پژوهان اهمیتی بیشتر از خلیج فارس نداشته است. این آبراه که فلات ایران را از شبه جزیره عرب جدا می کند، از حداقل ۲۲۰۰ سال پیش از هویت ایرانی برخوردار است."

دوره باستان تا دوره اسلامی

از دوره ماقبل امپراتوری پارسی، اسناد مکتوبی باقی نمانده ولی تاریخ و فرهنگ شفاهی نشان می دهد که ایرانیان قبل از امپراتوری پارسی نیز، آبهای جنوب ایران را دریای جم، دریای ایران و دریای پارس می گفته اند. از سالهای ۵۵۹ تا ۳۳۰ قبل از میلاد که دوره حاکمیت امپراتوری پارس بر تمام منطقه خاورمیانه و بویژه تمام خلیج فارس و بخشی از شبه جزیره عربی است، نام دریای پارس بطور گسترده در متون مدون ذکر شده است. در یکی از کتیبه ها و سنگ نبشته های داریوش در مصر که تعلق به قرن پنجم قبل از میلاد دارد و مربوط به حفر کانال نیل بوده و در سواحل رود نیل کشف شده است این آبراه را "دریای پارسه" نامیده است. در سنگ نبشته های تخت رستم و شهر پارسه نیز از این پهنه آبی، تحت حاکمیت پارس ها یاد شده است.

همچنین فلاسفه، سیاحان، جغرافی دانان، تاریخ نویسان و دانشمندان بسیاری در این دوره نظیر اناکسیماندر^۳ (۵۴۶-۶۱۲ ق.م)، طالس ملطی^۴ (۵۴۶-۶۴۰ قبل از میلاد)، فیثاغورس^۵ (۶۰۸-

² Sir Arnold Wilson, 1928, at .

³ Anaximandre.

⁴ Thales Melitus.

۵۰۹ ق.م)، کوسماس ایندیکوپلئس^۶ (۵۰۰-۵۳۵ ق.م)، هکاتوس^۷ (۵۰۰ ق.م)، نیارکوس دریاسالار یونانی (۲۴۲-۳۲۵ ق.م)، هرودوت^۸ (۴۲۰-۴۸۶ ق.م)، بطلمیوس (۲۷۰-۳۳۰ ق.م)، کتزیاس (۴۴۵-۳۸۰ ق.م)، گزنفون (۴۳۰-۳۵۲)، اراتوستن^۹ (۲۷۶-۱۸۷ ق.م)، استرابون و افراد بسیار دیگری که ذکر نام همه آنان در این مقال نمی گنجد همگی به اتفاق این گستره آبی را به زبان های مختلف خلیج فارس ایران نام گذاری کرده اند.

همچنین در سده های اول میلادی برای اقیانوس هند، نام دریای اریاتراس و برای سواحل عمان، دریای پارس و برای دریای سرخ، خلیج عرب و برای سواحل پاکستان، دریای مکران نیز بکار رفته است. در کتابی تحت عنوان "پرسیلوس اریاتریا"، سیاح یونانی قرن اول میلادی، ضمن شرح سفرهای دریایی خود، دریای سرخ را خلیج عرب، اقیانوس هند را دریای اریاتریا، آبهای سواحل عمان را دریای پارس و منطقه بارباروس (بین سواحل یمن و عمان) را متعلق به پارس ها می داند و خلیج جنوب ایران را خلیج فارس نامیده و ضمن توصیف جغرافیایی این پهنه آبی، آنرا خلیجی طولانی به درون خشکی نامیده است. وی بعد از نیارکوس جزء اولین کسانی است که خلیج فارس را بطور کامل پیموده و مسافت میان مکانها را شرح داده است.

دوره اسلامی

اعراب در دوره قبل از میلاد بیشتر در حجاز، یمن و سواحل غربی دریای سرخ سکونت داشته و با خلیج فارس آشنایی چندانی نداشتند. آشنایی رسمی اعراب با خلیج فارس در دوره امپراتوری اردشیر ساسانی آغاز شد و لشرکشی وی به یمن، به درخواست سیف ابن ذی یزن

5 Phythagore.

6 Cosmas Indicopleutes.

7Hecataus .

8 Herodouts

9 Eratosthenes.

حاکم یمن برای سرکوب حبشیان ، منجر به افزایش مراودات اعراب با سواحل خلیج فارس شد . با ظهور دین اسلام و گسترش سریع آن به فلات ایران ، بر شدت مهاجرت اعراب به سواحل خلیج فارس افزوده شد.

در دوره صدر اسلام ، علمای دینی عرب، آبهای جنوب خلیج فارس را بحر فارسی می نامیدند و با این تصور که این نام منسوب به صحابی بزرگ و دانشمند سلمان فارسی است و پیامبر اسلام این نامگذاری را به پاس خدمات او انجام داده است ، در حراست از این نام جدیت داشتند. از صدر اسلام تا غلبه مغول، در بیشتر از ۳۰ کتاب جغرافیایی، تاریخی، ادبی، تفسیر و اخلاق و فقه مربوط به علمای مسلمان، توصیف خلیج فارس وجود دارد که از جمله آنها می توان به کتابهای البلدان و تاریخ یعقوبی ، کتابهای المغاری ، فتوح الشام ، فتح العجم نوشته محمد بن عمر و اقدمی متوفی به سال ۲۰۷ هـ ق، کتاب الطبقات الکبری نوشته و اقدمی متوفی ۲۳۰ هـ ق، کتاب حبیب العروس و ریحان النفوس نوشته سعید تمیمی، اخبار الطول نوشته ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری متوفی ۲۹۰ هـ ق، کتاب تاریخ الرسل و الملوک نوشته محمد بن جریر طبری متوفی ۳۱۰ هـ ق، تاریخ بلعمی نوشته بلعمی، الکامل ابن اثیر و مسعودی در مروج الذهب نام برد.

حتی در دوره مغولان که نام بسیاری از مکانهای جغرافیایی تغییر کرد ، نام خلیج فارس همچنان بدون تغییر باقی ماند و نویسندگانی نظیر که محمد بن قزوینی و شمس الدین الانصاری الدمشقی الصوفی در این دوره درباره خلیج فارس مطلب نوشته اند.

دوره حضور و استیلای بیگانگان در خلیج فارس

از سال ۱۵۰۷ میلادی که ناوگان پرتغالی به فرماندهی آلفونسو بوکرک هرمز را به تصرف درآورد و در دوران حضور هلندی ها (۱۶۲۳-۱۷۶۶)، دوران کوتاه حضور فرانسویان و استیلای انگلیسی ها در خلیج فارس تا سال ۱۹۷۱ که نیروهای انگلیسی از خلیج فارس خارج شدند در سفرنامه های جهانگردان، اسناد رسمی و غیر رسمی موجود در کتابخانه ها ، موزه ها و آرشیوهای معتبر جهان ، نقشه های کارتوگرافان و در اولین دائرة المعارفها و اطلس ها بر آبراه بین ایران و

شبه جزیره عرب همواره نام خلیج فارس اطلاق شده است. در دوره پرتغالیها با ارزش ترین و کاملترین نقشه ها راجع به خلیج فارس تهیه شده که بسیاری از آنها در موزه ها به عنوان میراث بشری نگهداری می شوند. در کتب جهانگردان، نقشه ها و نامه های متبادله میان حاکمان مقیم خلیج فارس با پادشاهی پرتغال و اسپانیا، به زبان های مختلف نام خلیج فارس ذکر شده است.

در این دوره در تمامی قراردادها و معاهداتی که پرتغالیها، اسپانیایی ها، انگلیسی ها، هلندی ها، فرانسوی ها، بلژیکی ها، روس ها و آلمانی ها با دولت ایران و یا هر کشور و یا واحد سیاسی و یا امرای تحت الحمایه خود در منطقه امضاء کرده اند نام خلیج فارس بکار رفته است. از جمله این قراردادها قرارداد معروف به «معاهده عمومی با امرای عرب» که در ۸ ژانویه ۱۸۲۰ به امضای ژنرال کایر و ۱۱ نفر از روسای قبایل عرب و شیوخ سرزمین های متصلحه رسیده است. در متن عربی این قرارداد عبارت "الخلیج الفارسی" بکار رفته است. همچنین در یادداشتهایی که منجر به استقلال کویت گردید و می توان آنرا قرارداد استقلال کویت نامید همه جا از عبارت الخلیج الفارسی استفاده شده و در عنوان یادداشت امیر کویت به نماینده ملکه انگلیس در خلیج فارس چنین آمده است:

"حضرت صاحب الفخامه المقیم السیاسی لصاحبه اجلاله فی الخلیج الفارسی المحترم.
بعد السلام و تحیه ...".

این سند که در تاریخ ۱۹ ژوئن ۱۹۶۱ توسط عبدالله السالم الصباح امضاء شده است طبق اصل ۱۰۲ مشور سازمان ملل در دبیرخانه این سازمان به ثبت رسیده است. در کتاب «الاتفاقیات السیاسیه و الاقتصادیه التي عقدت بین الامارات ساحل عمان و بریتانیا ۱۸۰۶-۱۹۷۱»^{۱۰}، معاهده های سیاسی، حقوقی و اقتصادی میان امارات متصلحه و دول بیگانه از سال ۱۸۰۶ تا ۱۹۷۱ منتشر شده که در تمام معاهداتی که به این آبراه اشاره شده است عبارت بحر فارس و خلیج فارس استفاده شده و تصویر یکی از معاهدات بر روی جلد کتاب با نام خلیج فارس وجود دارد.

۱۰- الاتفاقیات السیاسیه و الاقتصادیه التي عقدت بین الامارات ساحل عمان و بریتانیا ۱۸۰۶-۱۹۷۱، علی محد راشد.

خلیج فارس در نقشه های تاریخی

در تمامی نقشه ها و اطلسهای مهم تاریخی در دوره باستان، دوره اسلامی و دوره حضور و استیلای بیگانگان در خلیج فارس، شاهرآه آبی جنوب ایران با نام خلیج فارس ثبت شده است. در کشورهای غیر عربی بندرت و آن هم در اثر اشتباه و یا تطمیع بعضاً نام مجعول بکار می رود ولی هنوز علیرغم هزینه سنگین بعضی کشورهای عربی، رسانه های گروهی معتبر جهان نام اصیل و تاریخی خلیج فارس را حفظ نموده اند. در تمام کتب از جمله کتب درسی و منابع دولتی و نقشه ای رسمی کشورهای عربی تا دهه ۶۰ میلادی، نام خلیج فارس تنها نامی است که برای توصیف این پهنه آبی بکار رفته است. بعنوان مثال می توان به اطلس «العراق فی الخوارط القدیمه»^{۱۱} که مشتمل بر ۴۰ نقشه از منابع عربی قرون وسطی با ذکر نام خلیج فارس است اشاره نمود.

علاوه بر این در طول یک دهه گذشته کشورهای عربی در مورد اثبات ادعاهای ارضی خود نسبت به یکدیگر نقشه های تاریخی را در رسانه های گروهی منتشر و بعضاً به عنوان سند به دیوان بین المللی دادگستری ارائه نموده اند که در آنها خلیج فارس با همین نام توصیف شده است. از جمله در دعاوی ارضی قطر و بحرین، عربستان و قطر و در دعاوی یمن و عمان در نقشه ها و اسناد مورد استفاده آنها نام خلیج فارس بکار رفته است. از جمله این نوع نقشه ها و اسناد می توان به موارد ذیل، بعنوان نمونه، اشاره داشت:

۱- کتاب منتشره توسط دولت کویت در سال ۱۹۹۲ که تحت عنوان «الکویت فی الخاریط العالم» به چاپ رسیده است اشاره نمود که ۸۰ نقشه و سند تاریخی گردآوری شده از اطلسهای مختلف در آن موجود بوده و در همه آنان نام خلیج فارس بکار رفته است.

۲- در سال ۱۹۹۴ اطلسی در کویت تحت نام «الکویت قراء فی الخاریط التاریخیه» به همت عبدالله یوسف العنیم به چاپ رسیده که حاوی حدود ۲۰۰ نقشه با نام خلیج فارس است.

۳- کتاب دیگری به نام «اصول الکویت المنشور العام» در سال ۱۹۹۱ در هلند به چاپ رسیده است که حاوی ۱۵ نقشه تاریخی می باشد که در همه آنها نام خلیج فارس ثبت شده است.

۱۱- العراق فی الخوارط القدیمه، دکتر احمد سوسه، المجمع العلمی العراقی، مطبعه المعارف، بغداد، ۱۹۵۹.

جالب اینکه یکی از مهمترین استنادات کویت که در هر سه اطلس مذکور به چاپ رسیده است، نقشه ۱۷۶۲ کارستون نیبور دانمارکی است. در نقشه مذکور که تحت نام نقشه خلیج فارس چاپ شده است جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی جزء سرزمین ایران قرار دارد.

۴- اطلس «العراق فی الخوارط القدیمه» چاپ ۱۹۵۹ که مشتمل بر ۳۹ نقشه از منابع تاریخی عربی با ذکر نام خلیج فارس است.

۵- کتابی تحت عنوان «الخلیج الفارسی عبر التاریخ و القرون» نوشته محمد میرزا که در ۱۹۷۶ در قاهره به چاپ رسیده و مشتمل بر ۵۲ نقشه از منابع عربی با ذکر نام خلیج فارس و بحر فارس است.

۶- در کتاب «اطلس تاریخ اسلام» که در آمریکا و کشورهای عربی به ویژه مصر در سالهای ۱۹۵۱ و ۱۹۵۵ میلادی چندین بار به چاپ رسیده است، ۱۶ نقشه وجود دارد که در همه آنها نام خلیج فارس برای آبهای جنوب ایران بکار رفته است.

می توان به این کتب انبوهی از کتابها از جمله کتاب های نوشته شده توسط مقامات کشورهای عربی نظیر کتاب انور سادات رئیس جمهور سابق مصر به نام «طغیان رود نیل» تالیف سال ۱۹۵۷ و کتاب حسن بن طلال ولیعهد اردن هاشمی به نام «السعی نحو السلام» و کتاب «الاستعمار فی الخلیج الفارسی»^{۱۲} و حتی فرهنگهای لغت معتبر عربی مانند «المنجد» و دایره المعارفهای عربی مانند دایره المعارف اقتصادی لبنان ۱۹۷۲ و راهنمای دولتی عراق ۱۹۳۶ و دهها مورد دیگر را اضافه نمود که همگی از آبراه جنوب ایران به نام خلیج فارس نام برده اند. نقشه موجود در موزه کبیر قاهره که بر اساس یک لوحه سنگی عظیم قبل از میلاد ترسیم شده و از سال ۱۹۰۳ در کنار این لوح نصب است به نام خلیج فارس مزین می باشد.

علاوه بر کشورهای عربی، صدها نمونه نقشه و اطلس تاریخی در کتابخانه ها و مراکز اسناد سایر کشورها نظیر کتابخانه کنگره آمریکا، کتابخانه ملی بریتانیا، کتابخانه و اسناد وزارت امور هند، مرکز آرشیو ملی انگلستان، کتابخانه دانشکده مطالعات آفریقایی و خاورشناسی لندن و ادارات

^{۱۲} الاستعمار فی الخلیج الفارسی، دکتر صلاح عقاد ، باشراف الاداره الثقافه العامه بوزارت تعلیم و التربیه بمصر - مکتبه الانجل المصریه - مطبعه الرساله - القاهره ۱۹۷۶.

آرشیو ملی پرتغال، وزارت خارجه فرانسه، روسیه، پرتغال، هلند، هند، آلمان، اسپانیا و ژاپن وجود دارد که نام خلیج فارس بر آن نقش بسته است. بعنوان نمونه مراجعه به اطلس های تاریخی نظیر اطلس توماس هربرت ۱۶۲۸، اطلس پاریس دانشگاه لوساج ۱۸۶۳، اطلس آلمان ۱۸۶۱، اطلس پاریس انویلی ۱۷۶۰، اطلس جغرافیایی مدرن ۱۸۹۰ پاریس^{۱۳}، اطلس لندن ۱۸۷۳، اطلس ارنست امبروسیوس ۱۹۲۲، اطلس بیلفیلد ۱۸۹۹، اطلس هارمسورت قرن ۱۹ لندن و دایره المعارف های بزرگ جهان مانند RAISONNE DE SCIENCE KOSJDK NHDVI HGLUHVT 1751 چاپ فرانسه، دایره المعارف بریتانیکا، دایره المعارف لاروسکا، آمریکانا و ... ما را به نامی جز خلیج فارس که بر پهنه آبی جنوب ایران نمایان است رهنمون نمی سازد.

موسسه دریای شرق با کمک دولت کره جنوبی نیز در سال ۲۰۰۲ کتابی بنام «دریای شرق در نقشه های جهان» حاوی ۱۰۰ نقشه تاریخی منتشر ساخته که در تمامی نقشه هایی که جنوب ایران را در برگرفته اند (حدود ۴۵ نقشه) نام خلیج فارس ثبت گردیده است.

نقشه های رسمی که به دستور دولت انگلستان (که در قرن هجدهم و نوزدهم انگلستان قدرت فائقه و مسلط در دریاها و اقیانوس ها بوده است) از دریاها و شرق سوئز، بویژه هند و خلیج فارس، ترسیم شده است همگی تداوم این حقیقت است که جغرافی دانان جهان از اولین روزی که نقشه کشی متداول شد دریای جنوب ایران را به نامهایی نامیده اند که جملگی به معنای خلیج فارس است. بعنوان مثال نقشه ایران و افغانستان و بلوچستان که تحت نظر کرزن در سالهای ۱۸۹۱ و ۱۸۹۲ چاپ شده است قسمت خلیج فارس را بر اساس نقشه های سال ۱۸۶۴ کاپیتان کنستابل^{۱۴} تنظیم کرده و لذا بر نقشه های مزبور که جملگی بر اساس اسم واقعی خلیج فارس تهیه شده صحه گذاشته است.

^{۱۳} این اطلس در مرکز اسناد ملی (دارالوثائق قومی) مصر نگهداری می شود و در یکی از نقشه ها جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی با رنگ سرزمین ایران ترسیم شده است.

^{۱۴} Constable.

نام خلیج فارس در سازمانهای بین المللی

تمامی سازمانهای بین المللی از جمله سازمان ملل متحد از ابتدای تاسیس، همواره خود را ملزم و متعهد به بیکارگیری نام تاریخی خلیج فارس دانسته و به این عمل نموده اند. در سال ۱۹۷۱ برای اولین بار در یکی از مکاتبات سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، اشتباهاً کلمه مجعول «خلیج عربی امارات» به جای خلیج فارس بکار رفت. در جهت اصلاح این اشتباه، بلافاصله دبیرخانه سازمان ملل متحد در نیویورک طی یادداشتی به تاریخ ۵ مارس ۱۹۷۱ اعلام کرد که رویه سازمان ملل متحد در طول فعالیت خود تاکید بر نام صحیح خلیج فارس بوده است. در این یادداشت ضمن تایید موضع رسمی دولت ایران در رابطه به نام «خلیج فارس» صریحاً قید شده است که رویه سازمان ملل بکار بردن نام صحیح، اصیل و تاریخی خلیج فارس می باشد.^{۱۵} دبیرخانه سازمان ملل طی نامه مورخ ۱۴ آوریل ۱۹۷۱ اصلاحیه سند فوق^{۱۶} را ضمیمه نمود. علاوه بر این، دبیرخانه سازمان ملل متحد در رابطه با بکار بردن نام صحیح خلیج فارس دستورالعملهای متعددی را صادر نموده است. در تائید و پاسخ به مکاتبات و تذکرات دولت ایران برای کاربرد نام کامل و صحیح خلیج فارس در انتشارات و اسناد ارکان مختلف سازمان ملل متحد و سازمانهای وابسته به آن، نامه ها و دستورالعمل های فراوانی وجود دارد که این نهادهای بین المللی با پذیرش اشتباهات خود نسبت به تصحیح خطای صورت گرفته اقدام بعمل آورده اند. از جمله این اسناد می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. یادداشت شماره LA 45.82 مورخ ۱۰ اوت ۱۹۸۴ ارسالی به نمایندگی جمهوری اسلامی

ایران - نیویورک،

۲. بخشنامه شماره CAB/1/87/63 مورخ ۱۶ فوریه ۱۹۸۷ مدیر کل یونسکو،

۳. دستورالعمل شماره ST /CSSER/29 مورخ ۱۰ ژانویه ۱۹۹۰،

۴. AD/311/GEN مورخ ۵ مارس ۱۹۹۱،

^{۱۵} Doc. AD311/1GEN.

^{۱۶} Doc. IPPD14/UNIDB.

۵. دستور العمل شماره ST/CS/SER.A/29/Add.1 مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۹۲،

۶. دستور العمل شماره ST/CS/SER.A/29/Add.2 مورخ ۱۸ اوت ۱۹۹۴،

۷. دستور العمل شماره ST/CS/SER.A/29/Rev.1 مورخ ۱۴ مه ۱۹۹۹.

در همه این دستور العمل ها، یادداشتهای و بخشنامه ها خواسته شده است که از پهنه آبی میان ایران و شبه جزیره عرب با نام «خلیج فارس» یاد گردد.

نتیجه گیری

هرچند شاید مرسوم و معمول نباشد که نتیجه گیری و پایان یک مقاله و نوشتار علمی را با ذکر نقل قول به انجام رساند اما بیان جملات ذیل از زبان و قلم دو شخصیت و نویسنده عرب از هر نتیجه گیری دیگری گویاتر می باشد. در مصاحبه مجله الاهرام با آقای مجدی عمر معاون اول سابق شورای دفاع ملی مصر^{۱۷}، وی چنین می گوید:

"نسل من بخاطر دارد که ما در ایام مدرسه در کتب و نقشه ها با لفظ خلیج فارس سروکار داشتیم ولی بعد از مدتی به آن خلیج عربی اطلاق کردیم. این غیر منطقی، رزالت و پستی است. این که چند کشور عربی در اطراف آن باشند دلیل نمی شود که نامی تاریخی را تغییر دهیم، حال برای اینکه خود را از این مخمصه نجات دهیم فقط آنرا خلیج می نامیم، کدام خلیج؟! مگر خلیج بدون نام هم می شود."

دکتر عبدالمنعم سعید رئیس مرکز تحقیقات سیاسی و استراتژیک الاهرام نیز در کتاب «تطویر

العلاقات المصریه الایرانیه»^{۱۸} چنین می گوید:

"به صراحت تمام بگویم هیچ مدرک و سند تاریخی ندیدم که نام خلیج فارس را بتوان مستند بر آن تغییر داد. تمام نقشه ها و کتب تاریخی و حتی در بعضی از سخنرانیهای ناصر و رهبران انقلاب از خلیج فارس صحبت شده است."

^{۱۴} مجله الاهرام، شماره ۲۱۹، آگوست ۲۰۰۱.

^{۱۵} تطویر العلاقات المصریه الایرانیه، مجموعه نویسندگان، چاپ مؤسسه سیاسی و استراتژیک الاهرام مصر، ۲۰۰۲، ص ۱۹۰.